

بررسی فقهی فیلترینگ و پیشینه فقهی آن

هادی عجمی

اختصاصی شبکه اجتهاد: امروزه زیست‌بوم افراد بسیاری، در ساعات مهمی از زندگی، اینترنت و فضای مجازی شده است؛ در نتیجه مسئله‌ای فیلترینگ که تأثیر مستقیم در این استفاده مردم از این فضا دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. در این باره، از جهات مختلف و در فرهنگ‌های مختلف بحث می‌شود؛ اما آنچه در کشور ما به دلیل حاکمیت فقه و ولایت فقیه بر آن اهمیت دارد، بررسی فقهی مسئله فیلترینگ و سخن از پیشینه فقه آن است.

تبیین عنوان

فیلترینگ دارای دو بعد محتوایی و فنی - مهندسی است که هر دو بعد بایسته بررسی است؛ اما آنچه در بررسی فقهی اهمیت بیشتری دارد، بررسی بعد محتوایی و حکم آن است.

هر کشوری بر پایه فرهنگ و مبانی اعتقادی، مصادیق مجرمانه‌ای برای فیلترینگ اعلام می‌کند. این عناوین در ایران نه بند دارد که فهرست مصادیق محتوای مجرمانه ذیل موضوع ماده 21 قانون جرایم رایانه‌ای را تشکیل می‌دهد:

(الف) محتوا علیه عفت و اخلاق عمومی؛

(ب) محتوا علیه مقدسات اسلامی؛

(ج) محتوا علیه امنیت و آسایش عمومی؛

(د) محتوا علیه مقامات و نهادهای دولتی و عمومی؛

(ه) محتوایی که برای ارتکاب جرایم رایانه‌ای به کار می‌رود (محتوا مرتبط با جرایم رایانه‌ای)؛

(و) محتوایی که تحریک، ترغیب، یا دعوت به ارتکاب جرم می‌کند (محتوای مرتبط با سایر جرایم)؛

(ز) محتوا مجرمانه مربوط به امور سمعی و بصری و مالکیت معنوی؛

(ح) محتوای مجرمانه مرتبط با انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری؛

(ط) محتوای مجرمانه مرتبط با انتخابات ریاست جمهوری؛

(ک) محتوای مجرمانه مرتبط با قاچاق کالا و ارز؛

(ل) محتوای مجرمانه علیه اطفال و نوجوانان؛

م) محتوای مجرمانه مرتبط با جرایم محیط زیستی.

این عناوین را در سه دسته می‌توان قرار داد:

1. محتوای ضد اخلاقی و اعتقادی؛

2. محتوای برهم زننده امنیت کشور؛

3. محتوای مجرمانه از منظر حقوقی.

نوع سوم محتوای مجرمانه، تابع قوانین و بررسی حقوقی است و در این مجال نمی‌گنجد. در نتیجه به اختصار اشاره به ادله دو دسته نخست محتوای مجرمانه و حکم فیلتر شدن آنها می‌کنیم: یکم. ادله فیلترینگ محتوای ضد اخلاقی و اعتقادی؛ دوم. ادله فیلترینگ محتوای برهم زننده امنیت کشور.

1. ادله فیلترینگ محتوای ضد اخلاقی و اعتقادی

ادله بیان شده اصلاح محیط عام اجتماعی، بر اصلاح محتوای محیط عام اینترنتی و مجازی نیز دلالت دارد؛ اما از ادله خاص این مسئله می‌توان به ادله «حرمت حفظ و نگهداری کتب ضلال» اشاره کرد.

1-1. پیشینه

اگر بخواهیم از پیشینه فیلترینگ محتوایی در فقه سخن گوئیم، پیشینه هم‌مناط این بحث، «مسئله کتب ضلال» است. پیشینه «مسئله کتب ضلال» از مرحوم شیخ مفید تا فقهای معاصر در آن نظر داده‌اند. آنچه از این پیشینه قابل استفاده است، ادله شرعی مسئله حفظ، فراگیری و تدریس این کتب است.

امام خمینی (ره) انواع تصرف در اینگونه کتاب‌ها را در صورتی حرام دانسته‌اند که غرض صحیحی بر آن مترتب نباشد. نیز اتلاف برخی از بخش‌هایی که مشتمل بر شبهات و مغالطه است و غالب مردم از حل و دفع آن عاجز هستند را واجب شمرده است. مرحوم آیت الله خویی، برپایه حرمت اضلال مردم، از آن بحث کرده‌اند. از دیدگاه مرحوم آیت الله تبریزی، برپایه، مفاد ادله نهی از منکر که بر وجوب دفع منکر نیز دلالت دارد، التزام به وجوب محو کتب ضلال را اظهر می‌دانند؛ البته در صورتی که منحصرًا اضلال بر آن مترتب باشد. از دیدگاه مؤلف انوار الفقاهه، درباره حرمت حفظ کتب ضلال نهی خاصی وارد نشده است؛ اما وجوهی که فقا برای دلالت بر حرمت اقامه کرده‌اند برای افاده مقصود کافی است.

1-2. ادله «حرمت نگهداری کتب ضلال»

ادله حرمت نگهداری و نشر کتب ضلال در سه دسته قرار می‌گیرند: الف) آیات نهی کننده از اضلال؛ ب) روایات تعلیم، تسنین و تکلم در باب ضلال؛ ج) وجوب دفع ضرر محتمل.

الف) آیات نهی کننده از اضلال

1. لقمان: آیه 6

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ».

برپایه این آیه، اگر حفظ و نگهداری و خریدوفروش کتب منحصرأً برای استفاده حرام و اضلال دیگران باشد؛ که در این صورت معامله حرام و باطل است؛ اما با توجه به ترجیح اینکه مفهوم اشتراء در آیه شریفه فراتر از بیع و شراء و به معنای اتیان و ارتکاب عمل باشد، آیه ارتباطی با خریدوفروش کتب ضلال ندارد.

2. حج: آیه 30

«وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»

ابن فارس معتقد است، اصل ماده «الزُّور» به مفهوم انحراف و عدول از حق و میل به باطل است و معانی چون کذب و پرستش بت از مصادیق آن است. در بحث ما، زور به مفهوم میل و انحراف است و مقصود از آن انحراف از راه حق یا صراط مستقیم می باشد.

3. توبه: آیه 107

«وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ».

ذیل این آیه در جوامع الجامع و در بعضی کتب تفسیری روایتی به این مضمون نقل شده که پیامبر خدا؟ ص؟ به سفری رفتند، در هنگام مسافرت ایشان مسجد ضرار در مدینه ساخته شد. وقتی از سفر برگشتند به مسلمانان دستور دادند آن مسجد را خراب و ویران سازند. استفاده از مفاد این آیه با الغای خصوصیت از لزوم تخریب مسجد به لزوم از بین بردن تمام اسباب ضلال است.

4. آیات افتراء

«قَوْلٍ لِّلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا قَوْلٍ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ».

«قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَيَّ اللَّهُ كَذِبًا فَيَسْحَتِكُمْ بِعَذَابٍ وَ قَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَىٰ».

در این آیه، افتراء به خدا مورد نهی قرار گرفته و یکی از مصادیق افتراء بر خدا نوشتن کتب گمراه کننده است. در این صورت با توجه به نهی از تولید آن، می توان بالمالزمه نهی از حفظ و ارتباط با آن ها را نیز استفاده کرد.

5. آیات دوری از مجالس استهزاء آیات الهی

دو آیه ذیل از آیاتی اند که به اجتناب از حضور در مجلس گناه و مجلس استهزاء دستور می دهند:

(الف) «وَ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَ إِذَا يَنْسِينَكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ».

(ب) «وَ قَدْ نَزَلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يَكْفُرُ بِهَا وَ يَسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا».

مفاد این دو آیه با صرف نظر از برخی تفاوت هایی که در جزئیات با همدیگر دارند این است که اگر وارد مجلسی شدید که در آن محفل، آیات خدا را مسخره می کردند و محتوای آن کفر به آیات خدا است، از چنین مجلسی روی بگردانید و در آن جمع، حاضر نشوید.

(ب) روایات تعلیم، تسنین و تکلم در باب ضلال

برخی از ادله روایی که حکم حفظ کتب ضلال از آن قابل استفاده است، روایاتی است که در ارتباط با تعلیم محتوای کتب ضلال، تکلم درباره آن و تسنین سنن باطل وارد شده است؛ روایات ذیل از آن جمله اند.

1. صحیحہ ابی عبیدہ حدّاء

وَ بِهِدَاؤِ الْإِسْنَادِ (عَلِي بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ)، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ، عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ، عَنْ أَبِي عَبِيدَةَ الْحَدَّاءِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ؟ قَالَ: «... مَنْ عَلَّمَ بَابَ ضَلَالٍ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ أَوْزَارٍ مِنْ عَمَلٍ بِهِ وَ لَا يَنْقُصُ أُولَئِكَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْئًا».

سند روایت با توجه به توثیق مجموعه راویان آن، معتبر و قابل اعتماد است.

در این روایت، تعلیم خصوصیتی ندارد؛ بلکه روح تعابیر مذکور که ذهن و ارتکاز عرفی با آن سازگار است توجه به برخی از اقدامات موج آفرین و اثرگذار در مشی دیگران است، در این صورت کسی که قول یا فعلش موجب آثار و موجب عمل دیگران شده، در ثواب و عقاب دیگران سهیم است. با این الغای خصوصیت، بر حفظ کتب ضلال نیز می تواند چنین آثاری مترتب شود، به نحوی که نگهداری کتب ضلال موجب تأثیر بر دیگران و در واقع دلالت دیگران به نوعی شر و ضلالت باشد و این امر حرام است.

طایفه دوم: روایات سببیت فساد

در دسته‌ای از روایات، بر نهی از سبب فساد شدن دلالت دارند از جمله روایت زیر

1. روایت عَلِي بْنِ شُعْبَةَ

الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ شُعْبَةَ فِي تَحْفِ الْعُقُولِ عَنِ الصَّادِقِ؟ ع: «وَكُلُّ مَنْهِيٍّ عَنْهُ مِمَّا يَتَقَرَّبُ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ، أَوْ يَقْوَى بِهِ الْكُفْرَ وَالشِّرْكَ مِنْ جَمِيعِ وُجُوهِ الْمَعَاصِي، أَوْ بَابُ يُوْهَنُ بِهِ الْحَقُّ فَهُوَ حَرَامٌ مُحْرَمٌ بِيَعِهِ، وَشِرَاؤُهُ وَإِمْسَاكُهُ وَمِلْكُهُ وَهَبْتُهُ، وَعَارِيَتُهُ وَجَمِيعُ التَّقَلُّبِ فِيهِ... إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الصَّنَاعَةَ الَّتِي هِيَ حَرَامٌ كُلُّهَا، الَّتِي يَجِيءُ مِنْهَا الْفَسَادُ مُحَضًّا نَظِيرَ الْبِرَابِطِ وَالْمَزَامِيرِ وَالشُّطْرَنْجِ وَكُلِّ مَلْهُوٍّ بِهِ، وَالصُّلْبَانَ وَالْأَصْنَامَ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنْ صِنَاعَاتِ الْأَشْرِبَةِ الْحَرَامِ».

سندهای تحف العقول مقطوعه است؛ بنابراین، روایت فاقد سند است و ضعیف می باشد. اما دیگر روایاتی وجود دارد که برپایه ضم احادیث ضعاف، می توان به آنها اعتماد کرد.

به این روایت نیز برای حرمت حفظ کتاب ضلال استشهاد شده است. طبق این روایت حرفه ای که هیچ وجه حلالی ندارد و ماهیت آن فسادانگیز است یا موجب تقویت کفر و شرک و نیز وهن و تضعیف حق است از جانب خداوند ممنوع و حرام شده و بیع و شراء و نگهداری و هر نوع ارتباط با آن حرام است.

ج) وجوب دفع ضرر محتمل

این قاعده از مبادی کلامی و عقلی مؤثر در مباحث اصولی و فقهی است. معنای قاعده دفع ضرر محتمل این است: هرگاه در انجام یکی از اعمال، احتمال ضرر وجود داشته باشد، دفع آن ضرر با تحصیل آنچه خطر را رفع می کند، لازم است. با توجه به اینکه در حفظ و عدم اتلاف کتب ضلال احتمال ضرر وجود دارد، طبق مقتضای این قاعده، باید از بین برده شوند.

1-3. ادله امر به معروف و نهی از منکر

یکی دیگر از ادله که می توان از آن بهره برد، ادله امر به معروف و نهی از منکر است. این ادله پیشتر در کتاب فقه امر به معروف و نهی از منکر بررسی گردید. همانگونه که در آنجا نیز بیان شد، برپایه نکات ذیل، این ادله، اطلاقی دارند که می توانند شامل بحث فیلترینگ نیز گردند:

الف) وسعت مفهومی نهی

نهی در لغت به معنای زجر است. برای نهی همانند امر، سه معنا می توان تصور کرد:

یکم. زجر اعتباری. با قول، اشاره و کتابت انجام می گیرد (معنای خاص).

دوم. زجر عملی. ممانعت از وقوع حرام، توسط دیگری، یعنی بالفعل مانع وقوع حرام شدن؛ به صورت تکوینی در عمل یا با قول، اشاره و کتابت (معنای عام).

سوم. از بین بردن زمینه منکر. برپایه این معنا، برای عدم تحقق منکر حتی اگر لازم باشد، باید خطاکننده را از بین برد. نهی در این معنا، حمل بر ترک منکر یا منع از وقوع محرم نیست؛ بلکه حائل شدن از وقوع منکر است (معنای اعم). این معنا در «نهی» برجسته‌تر و قابل دفاع است.

هرچند در «امر»، تصویر «تحقیق المعروف» دشوار است؛ اما منع و زجر می‌تواند هر سه مرتبه را دربر گیرد.

ب) پیشگیرانه بودن امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، تکلیفی پیشگیرانه است. به همین دلیل در صورتی که احتمال عقلایی وقوع معصیت وجود داشته باشد نیز، امر و نهی واجب می‌شود؛ از این رو، نوعی احتیاط در تکلیف وجود دارد.

اگر حکومت در چند سال آینده پیش‌بینی کند که برخی معاصی رواج پیدا می‌کند، باید از هم‌اکنون پیشگیری کند. حکومت مسئولیت دارد مسائل و آسیب‌ها را شناسایی و امر به معروف و نهی از منکر کند. البته در این صورت، قاعده ارشاد و هدایت نیز کارایی دارند؛ اما حتی در نبود این دو قاعده، امر به معروف و نهی از منکر با تنقیح مناط قابل توسعه است. در نتیجه اگر فرد یا افراد جامعه در آینده، در آستانه گناه قرار گیرند، از باب تنقیح مناط و عنوان‌های عام، باید امر و نهی انجام شوند؛ زیرا اگر امر و نهی پیشگیرانه صورت نگیرد ممکن است در ظرف زمانی خود، تفویت شود. البته در این شرط باید توجه داشت که احتمال وقوع معصیت، باید احتمالی عرفی و عقلایی باشد. در این صورت حکومت وظیفه دارد برنامه‌ریزی کند و با مطالعه و پیش‌بینی آینده و نیز سنجش سلايق و سبک زندگی اجتماعی، از وقوع معصیت جلوگیری کند.

ج) مضیق و موسع بودن امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، از نگاه عرفی، فعلی و استقبالی است و با دقت عقلی، استقبالی است. از این رو امر به معروف به تعبیر تربیتی، نسبت به حال درمان است و نسبت به استقبال بازدارنده. این بازدارندگی و پیشگیری حالت‌های زیر را دارد: یکم. پیشگیری مضیق؛ یعنی امر و نهی، شخصی را که در حال حاضر در آستانه گناه قرار دارد، از گناه بازمی‌دارد.

دوم. پیشگیری موسع؛ شخص را از گناهی که در آینده مرتکب می‌شود، بازمی‌دارد.

در نتیجه امر به معروف و نهی از منکر، واجب غیرموقت است. از این رو بالعرض مضیق یا موسع است.

1) جمع بندی ادله

از آیاتی که استدلال به آن‌ها بررسی شد، حرمت اضلال و هرچه مصداق اضلال باشد، استفاده می‌شود و لازم است شخص اطمینان داشته باشد که عمل او بالفعل یا بالقوه زمینه ساز گناه دیگران می‌شود. در تعابیر ادله روایی نظیر تعلیم، تکلم و پایه ریزی سنت‌های باطل، شراکت در گمراهی دیگران مراد است که حرمت آن مثل ادله قرآنی مشروط به اطمینان به تحقق ضلال یا اضلال است.

دو دسته روایاتِ تعلیم، تسنین، و تکلم در باب ضلال و روایات سببیت فساد. در ادله روایی، نظیر تعلیم، تکلم و پایه‌ریزی سنت‌های باطل، شراکت در گمراهی دیگران مراد است که حرمت آن مانند ادله قرآنی مشروط به اطمینان به تحقق ضلال و اضلال است.

دلیل دیگر، تمسک به قاعده وجوب دفع ضرر محتمل بود. البته این قاعده تنها در صورتی قابل استفاده است که راه مقابله با ضرر منحصر به از بین بردن کتب باشد حکم عقل جاری است. لذا حاصل بررسی مجموعه ادله این است:

اگر حفظ و خرید و فروش کتب ضلال با اطمینان منجر به گمراهی خود شخص یا اضلال دیگران باشد، حرام است.

نتیجه و دیدگاه برگزیده این است که حفظ و خرید و فروش کتب ضلال در صورتی حرام است که با اطمینان، منجر به گمراهی خود یا اضلال دیگران باشد. حرمت حفظ کتب ضلال در مواردی نظیر حفظ این کتب برای بررسی و نقد آنها یا در شرایط تقیه، تخصیص خورده است و به عنوان اولی حرام نیست.

نکته دیگر اینکه، در مقابله با اینچنین محتوایی، در صورتی که این محتوا سبب اضلال دیگران گردد، اصل اولی در مواجهه با محتوای ضاله، تلاش برای تبیین و نقد و رد علمی تا حد امکان است؛ مگر، ناپدید کردن اسباب ضلال، تنها شیوه مناسب مبارزه باشد که اتلاف متعین است.

از آنجاکه شیوه‌های مقابله با نشر ضلال متعدد است، در انتخابی هر یک از وسائل منخیر است؛ مگر یکی از شیوه‌ها، کارآیی بیشتر داشته باشد که در آن صورت ارجح است.

نتیجه اینکه این ادله در حقیقت ثابت کننده حرمت گمراهی دیگران و به ملازمه، وجوب جلوگیری از گمراهی دیگران است. این حکم کفایی است؛ مگر در شرایطی بر کسانی مانند حکومت و والدین، عینی باشد. کتب ضلال یکی از مصادیق گمراهی بوده‌اند؛ اما این ادله را قید نمی‌زنند.

استفاده از ادله اضلال درباره فیلترینگ

از ادله و نتایج بیان شده، در دو بعد می‌توان بهره برد:

- نگهداری محتوای ضاله در فضای تحت مدیریت جامعه اسلامی؛ مانند شبکه ملی اطلاعات؛

- مواجهه با انتقال محتوای ضاله در شبکه اینترنت و فضای مجازی.

زیرا مسئله در دو بعد نمایان می‌گردد. فضای اطلاعات داخلی هر کشور، همچون انبار کتابی است، که اطلاعات برای استفاده دیگران در آن نگهداری می‌شود. از سویی دیگر، شبکه اطلاعاتی و اینترنتی هر کشور، دریچه ورود و خروج محتوای دریافت شده و ارسال شده کاربران آن کشور است.

برپایه ادله بیان شده در حرمت ضلال، حکم کلی به دست آمده، دارای دو جهت است:

1. حفظ و نگهداری از محتوای ضلال در فضای عمومی شبکه ملی اطلاعات، در صورتی حرام است که با اطمینان، منجر به گمراهی عموم افراد جامعه گردد. حرمت حفظ این محتوا در مواردی نظیر حفظ این محتوا برای نقد و بررسی و نقد آنها یا در شرایط تقیه، تخصیص خورده است و به عنوان اولی حرام نیست. البته این تخصیص منحصر به استفاده افرادی است که به نقد و بررسی آن می‌پردازند؛ در نتیجه از دسترس عموم خارج و تنها در دسترس آنها می‌توان قرار داد.

2. از منظر دوم، یعنی حکم تردد محتوای ضلال در فضای مجازی کشور، اصل اولی در مواجهه با محتوای ضاله در فضای اینترنت و مجازی، تلاش برای تبیین و نقد و رد علمی تا حد امکان است؛ مگر، فیلتر کردن کردن این محتوا، تنها شیوه مناسب مبارزه باشد که اتلاف متعین است. در این صورت نیز تابع دریافت کننده اطلاعات است؛ در صورتی که این اطلاعات سبب گمراهی او شود، می‌توان در چپه ورود این اطلاعات به او را مسدود کرد. همچنین مانع ارسال محتوای ضاله از سوی کاربری شد.

نتایج برآمده اینک:

1. فیلترینگ محتوای ضاله محدود به شبکه داخلی و ملی اطلاعات نمی‌گردد و این وظیفه حاکمیت، نسبت به تردد اطلاعات از داخل به خارج و به عکس نیز هست.

2. ملاک ضال بودن یک محتوا، گمراه‌کنندگی برای عموم مردم است؛ زیرا این فضا نیز عمومی است؛ مگر دسترسی‌های افراد محدود و مشخص باشد که ملاک، افراد گیرنده اطلاعات هستند.

3. تنها در صورتی می‌توان محتوای ضاله را با اهداف اصلاح‌گرانه نگاه داشت، که به عدم استفاده افراد آسیب‌پذیر از آن محتوا، یقین داشت.

4. برپایه مشکک بودن ضلال و گمراهی، لازم است، دسترسی‌های افراد و گروه‌های مختلف به محتوای اینترنتی و مجازی، محدود و مشخص گردد؛ به‌ویژه افراد آسیب‌پذیرتر جامعه مانند کودکان و از سویی، دسترسی امن کارشناسانی که نیازمند محتوای ضاله در پاسخگویی هستند. زیرا ممکن است محتوایی در سنی گمراه‌کننده باشد؛ اما همان محتوا برای رد سنی دیگر یا افشاری دیگر، لازم باشد.

در صورت نبودن چنین سامانه ارتباطی، لازم است در گمراه‌کننده بودن محتوایی، عموم افراد را در نظر گرفت.

نکته این حکم بیان شده، حکمی کلی است؛ اما ذیل هر محتوای ضد اخلاقی و اعتقادی، ممکن است عناوینی دیگر قرار گیرد که بر حرمت ترویج آن محتوا و از سویی حکم برخورد و فیلترینگ آن محتوا، بیافزاید؛ همچون قوادی، حرمت شکستن حریم شخصی افراد.

2. ادله فیلترینگ محتوای برهم زننده امنیت کشور

اثبات حکم فیلترینگ چنین محتوایی، در گروه بین حکم برهم زدن امنیت کشور و نظام اسلامی است. از آنجا که هدف امنیت، حفظ نظام است. از ادله آن می‌تواند قاعده وجوب حفظ نظام و حرمت اختلال در نظام باشد.

قاعده وجوب حفظ نظام

این قاعده با تعابیر مختلف استفاده شده است و از ادله پرکاربرد در ابواب مختلف فقهی است. مانند تعبیر «حفظ نظام» که از ادله ولایت فقیه و حکومت اسلامی طرح شده است و تعبیر «حفظ نظام مادی و معنوی» که در وجوب کفایتی قضا استفاده شده است. مثلاً بیان شده است که اگر کسانی متصدی قضا نشوند، نظام معیشت مردم اختلال پیدا می‌کند. از این مفهوم به قاعده «حرمت اختلال نظام» نیز تعبیر شده است که جنبه سلبی آن است.

این قاعده، اسباب حفظ امنیت را در برمی‌گیرد و حکمی ایجابی و از سویی سلبی می‌آفریند که عقلی و درک مستقل بشر است و شرع نیز آن را تأیید می‌کند.

جمع‌بندی ادله حفظ نظام و استفاده از آن در فیلترینگ امنیتی

برپایه آنچه بیان شد:

از مصادیق روشن اختلال در نظام، برهم زدن امنیت کشور است؛

اختلال در نظام حرام است؛

در نتیجه برهم زدن امنیت کشور حرام است؛ به هر صورت که باشد؛ از جمله مصادیق مهم امروزی آن، محتوای رسانه‌ای و مجازی است که سبب برهم زدن امنیت گردد.

تعیین مصداق برهم زننده بودن امنیت، از سوی کارشناسان امنیتی انجام می‌گردد.

برپایه این نتیجه و با توجه به وظایف حاکم و حاکمیت در این باره، آنها نیز وظیفه دارند، اقدامات لازم در جهت مقابله با اختلال در نظام را در مدیریت فضای رسانه‌ای و مجازی انجام دهند. از جمله: فیلترینگ محتوای برهم زننده امنیت این نظام.

نکته: این حکم، در مواردی، آکد می‌گردد؛ از جمله زمانی که عناوینی همچون اضلال، نفس سبیل و حفظ نفوس محترمه بر آن افزوده گردد.

سخن پایانی

بنابراین، فیلترینگ در محتوای ضد اخلاقی و اعتقادی برپایه ادله حرمت اضلال که در بحث کتب ضلال، فقها بدان اشاره کرده‌اند، دارای پیشینه و حکم هست. حکم آن، وجوب مقابله و حذف محتوایی است که عموم مردم را گمراه کند. همچنین فیلتر محتوای برهم زنند امنیت کشور نیز دارای ادله شرعی قاعده حفظ نظام است که بر وجوب حفظ آن دلالت دارد. محتوای برهم زننده این حفظ نظام، باید حذف و از دسترس خارج گردد. تشخیص آن به عهده کارشناس موضوعی امنیت ملی است.